

غزل شماره ۱۳۰

سحر ببلِ محبت با صبا کرد

که عشقِ رویِ گل با ما چه ما کرد

از آن رنگِ رُخْم، خون در دل افتاد

وز آن گلشن، به خارم بتلا کرد

غلامِ همتِ آن نازنینم

که کار خیر بی روی و ریا کرد

من از بجانگان دیگر تالم

که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

گر از سلطان طمع کردم، خطا بود

ور از دلبر و فاجتم، جفا کرد

خوش باد آن نیم صبحگاهی

که در شب تینان را دوا کرد

نقاب گل کشید و زلف سنبل

گره بند قبا ی غنچه وا کرد

به هر سو بلبلِ عاشق در افغان

سعم از میان، بادِ صبا کرد

بشارت بر به کوی می فروشان

که حافظ توبه از زهدِ ریا کرد

وفا از خواجگانِ شهربامن

کمالِ دولت و دین بو الوفا کرد

تفسیر فال

خود کرده را تدبیر نیست، بدین معنا که انسان باید از عواقب اعمال خود آگاه باشد و در انتخاب‌های خویش دقت کند. بنابراین، همت کن و از دوستانی که برایت اهمیت دارند کمک بخواه. در این فرآیند، ریا و حيله را کنار بگذار؛ زیرا اینها تنها به گمراهی می‌انجامند و نمی‌توانند راهنمای خوبی برای تو باشند. به جای آن، باید راه راست را پیش بگیری و با نیت پاک و قلبی سالم به سمت اهداف خود حرکت کنی. آنگاه خواهی دید که چگونه خداوند متعال با رحمت و الطاف بی‌پایانش بلایا و مشکلات زندگی‌ات را به آسانی برطرف می‌کند. همچنین، تو نیز باید به خودت بیایی؛ یعنی احساس مسئولیت کنی و در پی تغییرات مثبت باشی. با خدا عهد و پیمان ببند تا بتوانی به فر دولت واقعی دست یابی، چرا که تنها با اراده قوی و ایمان راستین است که می‌توان بر موانع زندگی غلبه کرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)